

متن ۷ حکایت

بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد، پسر را گفت: نباید که با کسی این سخن در میان نهی، گفت: ای پدر فرمان تراست، نگویم، ولیکن باید که مرا بر فائده این کار مطلع گردانی، که مصلحت در نهان داشتن چیست؟ پدر گفت: تا مصیب دو نشود: یکی نقصان مایه، و دوم شماتت همسایه.

بیت:

مگو انده خویش با دشمنان که «لاحول» گویند شادی گنان

شرح کلمات:

بازرگانی: بازرگان + ی (نکره): تاجر

خسارت افتاد: خَسِرَ

در میان نهی: در میان نهادن: کتم السر

ای پدر فرمان تراست: أَمَرَک یا والدي

مرا مطلع گردانی: تطلّعنِي

نهان داشتن: الإخفاء

تا مصیب دو نشود: یکی نقصان مایه، و دوم شماتت همسایه: کي لا تصبح المصيبة مصيبتينک

الأولى نقصان المال و الثانية شماتة الجار.

ترجمة بیت الشعر:

انده: مخفف اندوه: الهم/ المصيبة – لاحول: لاحول ولا قوة إلا بالله

لا تقل همك للأعداء فهم يقولون لاحول ولا قوة إلا بالله فرحاً